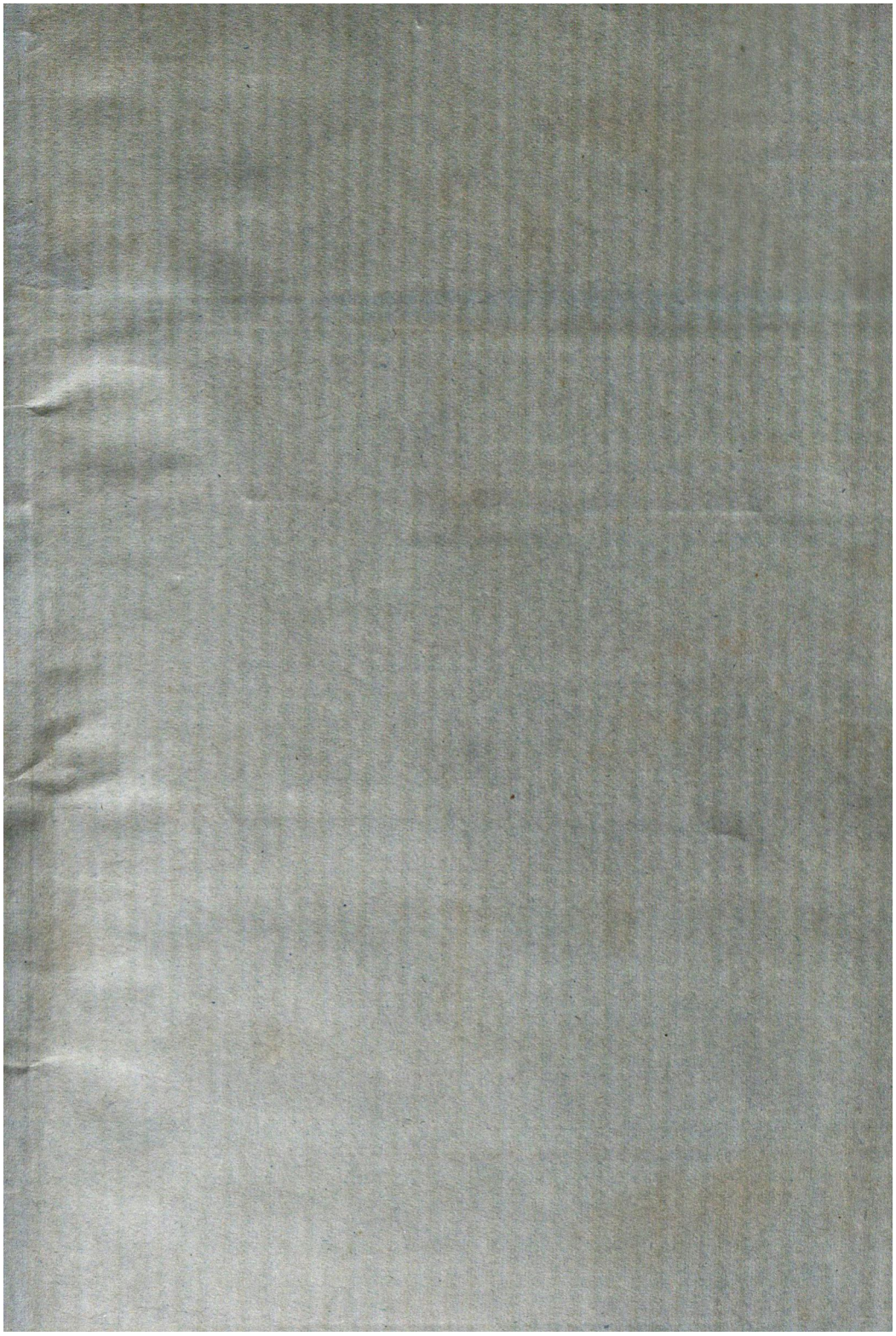

878
19/9/02

مومی الیہ باید کہ بمقتضای غرای تہادد و تجابو عمل فرموده ہموارہ از طرفین ارسال رسل و اتحاف تحف مسلوک داشته از فرغانه طیب
داشتن و فرستادن کبوتران پر پرواز و آمدن حبیب عشق باز
طایر ذی بال شوق در انتعاش و امتزاز آمده استشمام شمام یکجهتی
و وداد نمود اگر چه توجه بآن مشتبه برند تا که در نظر اولی از لعب و لهو
پیش نمایند بدیده کم در نظر ثانوی جا جرخ و بازی نیاد از نسبت شوقی و مناسبت
ذوقی ارباب وجد میدهد موجب توجه میدار میشود و گرنه حضرت
واجب تعالی بر سرائر ضمایر آگاه است که اشتغال صوری احیانا
با مثال این امور بر نجال فتمیدار جلبابی پیش نیست و بر مجرد بال
و پر ظاهری اکتفا خاطر حق اندیش نه امید که ہموارہ بارسال
شرایف صحایف محبت و جلایل رسایل مودت تحریک سلاسل
اخلاص و تاسیس مبانی اختصاص نمایند بیت نامه بر حرف
اختصاص تمام کردیم و السلام والاکرام بعبد الله خانی
او زبک سمرقند ان استشمام کلدسته بهارستان یکدلی و یگانگی

۱۳۰۲/۹/۱۹

و استطلاع کارنامه نگارستان دوربینی و فرزانگی که آراسته نخلبند
آن بوستان بهرامی فیروزی و فرمان روائی و نگاشته نقش پیوند
آن نگارستان دل افروزی و دلکشائی و الا دودمان نجسته
خاندان کوهر افزای افسر و اورنگ پرده کشای چهره دانش و فرهنگ
صدر نشین ایوان شهریاری چابک خرام پهنگاه سپهداری سپه
سالار نبرد گاه دلاوری و دلبری شهسوار جولانگاه شیر مردی
و شیری خدیو کامگار کشور داد گستری نوآئین نامدار جهان دانش
پروری فروزنده چراغ خانی و فرازنده چتر کیانی بود در خوشترین
هنگامی که کوس نوروزی آواز در جهان افروزی در کنبد نیلگون بلند
ساخته و نیر اعظم عطیه بخش عالم یعنی آفتاب جهانتاب که
سلطان چار بالش ایام و قهرمان هفت اقلیم عناصر و اجرام است
سایه فرخی و فرخندگی بر تارک جزو و کل انداخته و باد بهاری
روح نباتی در کالبد نورستان شهرستان آب و گل دمیده
و ابر آذری پای نورسیدگان لشکر بهار را از گرد راه نشسته و خو
داده بهر ایه خوشدلی و حوری و سرمایه دلکشائی و دلنوازی شد

بسم الله الرحمن الرحیم

برائے ادارہ تاریخ و تصوف
تعلق اکادمی دہلی

بنیاد دوستی و خویشی دیگانگی و نیک اندیشی که بجام عنبرین بنمام
نگارش یافته بود و کلک کوهرسنگی گذارش هنر رفته بر دل دانش
پسند و دیده آسمان پیوند که گنجینه راز خداوندی و آئینه چهره هوشمندی
است پوشیده نخواهد بود که این نیازمند درگاه بی نیاز درین سی سال
که از نیروی آسمانی بر تخت کامرانی رسیده همیشه پیش دیده دانش
و بینش آن داشته که این همه جهانگیری و فرمانروائی و تیغ گذاری
و کشورگشائی برای بجا آوردن کیرو دار و شبانی و سرکردن کار و بار
پاسبانی است نه گرد آوردن گنجهای زر و سیم و آراستن تخت
و دیهیم و یا بکهل ماندن در خواهشهای ناپایدار و سرفرو بردن در
گریبان آرزوهای نااستوار چنانچه همیشه با دوست و دشمن و خویش
و بیگانه جز نیکی و نیکخواهی دیگر ننموده همواره در آسودگی جهانیان
از خورد و بزرگ مهربانی با مردم روزگار از نزدیک و دور کوشش
مینموده خدا آگاه است که پاک ساختن چهار دانگ هندوستان
و خس و خاشاک رفتن ازین بوستان که از سه طرف بدریای شور

Hakim Syed Zeeshan Ali
Regd. Medical Prac. No. 3083
Khaspur, Muzaffarnagar.

3 ۱۳۲۹

پیوسته است از سرخودخواهی و خودکامی بوده بل بیش نهاد آرزو
جز نوازش خاکساران و کدازش ستمکاران نشده و ازین نسبت
بهر سو که رو آورده کارهای دشوار بآسانی گشایش یافته چهره آرزو
از پرده امید بخوبی نمایش پذیرفته هرگاه که شیوه فرخنده ما باد بکمند
خدا چنین باشد بآن والا دودمان که از بزرگان بار یافتگان درگاه
خداوندی اند و با یکدیگر پیوند دوستی قدیمی و چونین نزدیکی در میان
باشد بر هوشمندان خردبین هویدا است که یکی از نیها در یگانگی
و یکتادلی بسنده است هرگاه این همه یکجا شده باشد پیداست که جز
یگانگی درمیان نخواهد بود و این یکدلی و یگانگی سرمایه آبادانی جهان
و جهانیان خواهد شد و ازنکه مرا دیر فرستادن نامهای گرامی و علم
اظهار لوازم دوستی ایمای از موانع غریبه رفته بود همچنان در پرده کتمان
پوشیده و پنهان مانده چه دل نگرانی ایشان از دشمنان
کیره و از نبرد با سرکشان چون برین خواهد بود و گفت گوی چندی
از سخن سازان بی باک و تیره کاران کج نهاد [illegible] بیخردی چند